

## بازسازی تاریخ سیاسی سکستان در اواخر شاهنشاهی ساسانی براساس سکه‌ای نویافته از دوران اردشیر سوم ساسانی

محمد مرتضایی<sup>۱\*</sup>، علیرضا زبان‌آور<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۸)

### چکیده

ناحیه سکستان همواره در دوران ساسانی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. از دوران خسرو یکم تا خسرو دوم ضرب‌خانه منتسب به این منطقه از فعال‌ترین ضرب‌خانه‌های ایران‌شهر به شمار می‌رفته که نشانگر تسلط کامل ساسانیان بر این منطقه است. پس از مرگ خسرو دوم ضرب‌خانه این ناحیه در مقاطع گوناگون زمانی فاقد فعالیت بوده است. امروزه سکه‌ای متعلق به اردشیر سوم در موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) قم نگهداری می‌شود که تنها سکه طلا از این شاهنشاه ساسانی و همچنین نخستین سکه از وی با علامت ضرب‌خانه سکستان می‌باشد که تاکنون به‌دست آمده است. در این پژوهش سعی شده تا ضمن مطالعه این سکه نویافته و سنجش آن در کنار سایر یافته‌های باستان‌شناختی به‌دست آمده از اواخر دوران ساسانی در سکستان، وضعیت سیاسی نواحی جنوب شرقی ایران در دوران پس از خسرو دوم، براساس شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی موردبررسی قرار گیرد. این مقاله از نظر هدف تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی و از نظر روش و ماهیت تحقیق نیز پژوهشی تاریخی و توصیفی-تحلیلی محسوب می‌گردد، همچنین گردآوری داده‌ها در آن به صورت میدانی-کتابخانه‌ای است. براساس نتایج حاصل از این پژوهش به نظر می‌رسد که ناحیه سکستان در اواخر دوران ساسانی تحت فرمانروایی شاخه اصلی دودمان ساسانی و وفادار به خسرو دوم بوده است. این مقاله از این منظر

m\_mortezayi2008@yahoo.com

۱. دانشیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

۲. دانشجوی دکتری، باستان‌شناسی، دوران تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

مورد اهمیت است که می‌تواند وضعیت گرایش‌های سیاسی جنوب شرقی ایران در اواخر دوره ساسانی را براساس یافته‌ای نوین تا حدود زیادی روشن سازد.

**کلیدواژگان:** اردشیر سوم، سکستان، دوره ساسانی، سکه‌شناسی

## ۱. درآمد

سکه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع باستان‌شناسی در دوره ساسانی است و باستان‌شناسان و تاریخ‌دانان همواره با استناد به این منابع دسته اول سعی در روشن ساختن نقاط تاریک این دوران می‌نمایند. با توجه به کتیبه‌هایی که بر سکه‌های ساسانی وجود دارد، می‌توان مواردی چون تعداد سال‌های حکومت، گستردگی قلمرو در سال‌های مختلف حکومت یک شاه و حتی ایدئولوژی سیاسی- مذهبی در یک دوره خاص را بررسی کرد. با توجه به وضعیت ایرانشهر پس از مرگ خسرو دوم، سکه‌های ساسانی می‌توانند نقشی حیاتی را در ایجاد یک تصویر واضح و روشن از جانشینان خسرو پرویز و گستره قلمرو تحت تسلط آن‌ها ایفا نمایند. دوران حکومت اردشیر سوم نیز که در این مقطع از دوران ساسانی قرار گرفته، نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد. در این دوره به علل گوناگونی مانند بحران مشروعیت، بسیاری از مناطق حاضر به فرمان‌برداری از حکومت مرکزی نشده و به دنبال یک خودمختاری نسبی بودند. براساس مطالعات سکه‌شناسی ناحیه سکستان به عنوان یکی از بخش‌های مهم قلمرو ساسانی پس از خسرو دوم با فراز و نشیب‌های سیاسی همراه بوده، به طوری که تا به امروز در میان جانشینان خسرو پرویز تنها از بوران دخت و یزدگرد سوم سکه‌هایی با علامت ضراب‌خانه سکستان یافت شده است. سکه دیناری از اردشیر سوم که در ضراب‌خانه سکستان ضرب شده امروزه در موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) نگهداری می‌شود. این سکه از دو منظر می‌تواند مورد توجه باشد، نخست آن‌که تا به امروز تنها سکه یافت شده از دوران اردشیر سوم است که در سکستان ضرب گشته و مورد دوم جنس آن بوده که به علت طلا بودن کم‌نظیر است. دینار اردشیر می‌تواند با قرار گرفتن در کنار دیگر داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی در این بازه زمانی نکات مبهمی را که درباره

بازسازی تاریخ سیاسی سکستان در اواخر شاهنشاهی... \_\_\_\_\_ محمد مرتضایی و همکار

مرزهای شرقی ایران شهر در این دوران وجود دارد آشکار سازد و تحلیل‌هایی که تاکنون در مورد مرزهای جنوب شرقی ایران در اواخر دوره ساسانی مطرح شده را تغییر دهد. این مقاله از منظر هدف تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی و از منظر روش و ماهیت نیز از تحقیقات تاریخی و توصیفی-تحلیلی محسوب می‌گردد. در این پژوهش نویسندگان ابتدا به صورت میدانی با مشاهده سکه متعلق به اردشیر سوم در موزه حضرت معصومه<sup>(س)</sup> مشخصات فیزیکی و نقش مایه‌های سکه یادشده را مورد مطالعه قرار داده‌اند، سپس به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و با تحقیق در وضعیت سیاسی شاهنشاهی ساسانی در دوره اردشیر سوم از منظر تاریخی و مطالعه ضراب‌خانه‌های شرقی وی سعی در روشن‌سازی بازه زمانی مورد مطالعه و با بررسی وضعیت ناحیه سکستان در دوران ساسانی و سکه‌های ضرب شده در این محدوده به روشن‌سازی بازه مکانی مورد پژوهش پرداخته‌اند، تا در نهایت با مرور ضرب سکه‌های طلا در دوران ساسانی و به خصوص اواخر این عصر به ارائه تحلیل و نتیجه‌گیری در مورد وضعیت ناحیه سکستان در اواخر دوره ساسانی و به ویژه عهد اردشیر سوم بپردازند.

## ۲. سکه نویافته اردشیر سوم

سکه طلای اردشیر سوم در کنار تعدادی از سکه‌های مربوط به ادوار مختلف تاریخی، توسط محمدرضا قاهری بحرانی، یکی از مجموعه‌داران ساکن بحرین به موزه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه<sup>(س)</sup> اهدا شده است. این سکه که در موزه با شماره ۶۴/۷ ثبت شده مربوط به دومین سال حکومت اردشیر سوم بوده و دارای خصوصیات مشابهی با دیگر سکه‌های اردشیر سوم در این سال است (شکل ۱).



شکل ۱. تصویر سکه دینار اردشیر سوم ضرب شده در سکستان (نگارندگان)

سکه‌هایی که تا به امروز از اردشیر سوم یافت شده دارای دو تیپ است، تیپ A که در آن نقش تاج شاه به صورت بدون بال بوده و در هر دو سال شاهنشاهی اردشیر و تیپ B که تا به امروز تنها در سال دوم حکومت اردشیر دیده شده، در آن تاج اردشیر به صورت بالدار است (شکل ۲).



شکل ۲. تیپ A و تیپ B سکه‌های اردشیر سوم

([www.grifterrec.com/coins/sasania/sas\\_kavII\\_1.html](http://www.grifterrec.com/coins/sasania/sas_kavII_1.html))

سکه طلای اردشیر از نوع تیپ B سکه‌های او و دارای وزن تقریبی ۶/۳۸ گرم و قطر تقریبی ۳۰ میلی‌متر است. روی سکه شاه با چهره‌ای کودکانه و در حالی که نیم‌رخ وی به سمت راست است نقش اصلی این سکه را تشکیل می‌دهد. تاج شاه از نوع افسر کنگره‌دار بوده و روی این تاج دو بال در حالی که یک هلال ماه و کره را برگرفته‌اند دیده می‌شود. در قسمت پایین تاج دو ردیف مرواریددوزی قرار دارد. گردنبند شاه دارای دو ردیف زنجیر مروارید مانند است که در وسط توسط دایره‌ای جمع می‌شوند و از آن ۳ سنگ گران‌بها که حالتی قطره مانند دارند، آویزان است. قبا‌ی شاه نیز در هر طرف دارای دو ردیف مرواریددوزی است. در بالای شانه سمت راست شاه طرحی هلال مانند دیده می‌شود، همچنین در سمت راست تاج شاه نیز یک عدد هلال ماه و یک ستاره قرار دارد و در پشت سر او نیز یک ستاره قابل رؤیت است، یک دایره که حالتی زنجیری دارد پیرامون چهره شاه را دربر گرفته و تا تاج شاه ادامه دارد. در سه طرف این دایره سه هلال ماه قرار گرفته که سه ستاره را در خود جای داده‌اند، ستاره‌ها در این تصاویر دارای شش پر هستند. در پشت سکه نیز شاهد نقشی هستیم که در آن یک آتشدان که در مرکز قرار گرفته، دارای پایه‌ای سه پله‌ای و روی آن ستون آتشدان با دو نوار آویزان قرار دارد و بر ستون، سر آتشدان که آن هم دارای سه قسمت می‌باشد، قابل مشاهده است. آتش این آتشدان دارای شعله‌هایی رو به بالا و یک هلال ماه در سمت راست آن و یک ستاره در سمت چپ آن قرار دارد. نگهبانان آتش در حالی که از روبه‌رو نشان داده شده‌اند دارای تاجی کنگره‌دار و لباسی بلند هستند که تا بالای زانو قرار گرفته و از کمر به پایین، گشاده شده است. دایره‌ای زنجیر مانند که دورتادور نقش اصلی را دربر گرفته و هلال‌ها و ستاره‌هایی همانند نقش روی سکه را داراست، البته با این تفاوت که این هلال‌ها و ستاره‌ها در چهار طرف نقش هستند. فرم هلال و کره در سکه‌های اردشیر سوم، به طور محسوسی به سکه‌های هرمز چهارم شباهت دارد. باله‌های تاج اردشیر دوم برگرفته از تاج خسرو دوم است و این تقلید می‌تواند به‌نوعی نشان‌دهنده بازگشت تفکرات به زمان خسرو دوم باشد و میل داشتن اردشیر به نسبت دادن خود به خسرو دوم، گوشواره‌ها و گردنبند اردشیر سوم در برخی از سکه‌های مربوط به یزدگرد سوم نیز دیده می‌شود، این زینت‌آلات در سکه‌های یزدگرد اندکی تغییر یافته، ولی با این وجود فرم کلی زینت‌آلات همان فرم سکه‌های اردشیر سوم است. عباراتی که بر سکه اردشیر ضرب گشته همان عبارات

روی درهم‌های وی بوده که نام او و عبارت «اپزود» را دربردارد. ضمن این‌که در پشت سکه نیز علامت ضراب‌خانه سکستان و همچنین سال دوم دیده می‌شود.

### ۳. دوران حکومت اردشیر سوم

شیرویه در سال ۶۲۸ میلادی با کشتن خسرو دوم بر تخت شاهی نشست (دریایی<sup>۱</sup>، ۱۳۴:۲۰۰۹) ، به گواه منابع اسلامی شیرویه ۱۷ تن از برادران خود و گروهی از فرزندان آنان را کشت تا مدعی جدی برای سلطنت پیش‌رو نداشته باشد (طبری، ۷۷۹:۱۳۶۲؛ ابن اثیر، ۵۷۶:۱۳۸۲)؛ بنابراین با خالی شدن دایره مدعیان تاج و تخت از خاندان درجه اول ساسانی شاخه‌های دورتر و حتی سرداران نیز توانستند ادعای شاهی نمایند. کریستن‌سن مدت فرمانروایی شیرویه را شش ماه بیان می‌کند (کریستن‌سن<sup>۲</sup>، ۴۹۷:۱۹۴۴) و پرویز رجبی این زمان را هفت ماه دانسته است (رجبی، ۳۹۱:۱۳۸۳). مورخین دوره اسلامی مانند طبری و ابن اثیر این مدت را ۸ ماه ذکر کرده‌اند (طبری، ۷۸۰:۱۳۶۲؛ ابن اثیر، ۵۷۶:۱۳۸۲)، که در این رابطه نولدکه با بررسی متون تاریخی و محاسبات خود نشان داده که تمام ارقام بین شش تا هشت ماه می‌تواند درست باشد (نولدکه، ۱۳۸۸:۴۰۳). در مورد علت مرگ وی نیز در بین منابع اسلامی اختلاف وجود دارد و برخی مرگ وی را به دلیل طاعون یا وبا و عده‌ای دیگر خوراندن زهر را به عنوان دلیل اصلی مرگ او دانسته‌اند (رجبی، ۳۹۱:۱۳۸۳؛ کریستن‌سن، ۴۹۷:۱۹۴۴). در مورد تاریخ به تخت نشستن و مدت سلطنت اردشیر سوم در میان ایران‌شناسان و تاریخ‌دانان اختلافاتی وجود دارد، به طوری که شاپور شهبازی تاریخ سلطنت اردشیر را از سپتامبر ۶۲۸ تا ۲۷ آوریل ۶۲۹ میلادی بیان می‌کند (شاپور شهبازی، ۶۶۳:۱۳۸۹)، گوبل<sup>۳</sup> براساس مطالعات سکه‌شناسی تاج‌گذاری و آغاز حکومت اردشیر سوم را در استخر و به مدت یک سال و نیم بین سال‌های ۶۲۸ تا ۶۳۰ دانسته (گوبل، ۵۴:۱۹۷۱) و شیپمان هم در این رابطه از او پیروی کرده است (شیپمان، ۷۹:۱۳۸۶)، رجبی نیز تاریخ بر تخت‌نشینی اردشیر را اواخر تابستان ۶۲۸ میلادی می‌داند (رجبی، ۳۹۳:۱۳۸۳) که با تاریخ شاپور شهبازی همپوشانی دارد، کریستن‌سن مدت حکومت اردشیر را در حدود یک سال

---

1. Daryaei  
2. Christensen  
3. Gobl

و نیم بیان نموده و با تاریخ ۶۲۹ میلادی که برای بر تخت‌نشینی بوران دخت در نظر گرفته می‌توان گفت که وی نیز تاریخ شروع حکومت اردشیر را ۶۲۸ میلادی می‌دانسته است (کریستین سن، ۱۹۴۴: ۴۹۸)، زرین‌کوب در جایی تاریخ حکومت اردشیر را بین سال‌های ۶۲۸ تا ۶۲۹ میلادی معرفی می‌کند (زرین‌کوب و زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۱۰۲) و در جایی دیگر نیز بدون اشاره به تاریخ بر تخت‌نشینی اردشیر، تاریخ مرگ وی و آغاز سلطنت شهروراز را آوریل ۶۳۰ میلادی بیان کرده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۵۲۸)، ریچارد فرای هم با توجه به این‌که تاریخ مرگ خسرو پرویز و بر تخت‌نشینی قباد دوم را اواخر فوریه سال ۶۲۸ میلادی و مدت شاهی وی را کمتر از یک سال دانسته و همچنین تاریخ کشته شدن اردشیر سوم به دست شهروراز را ژوئن سال ۶۲۹ میلادی در نظر گرفته (فرای<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳: ۱۷۰)، حکومت اردشیر را بین سال‌های ۶۲۸ تا ۶۲۹ میلادی تصور نموده است. کولسنیکوف با ذکر تاریخ اکتبر سال ۶۲۸ میلادی برای مرگ شیرویه، مدت حکومت اردشیر را بر طبق اکثر منابع دوره اسلامی حدود یک سال و شش ماه و تاریخ مرگ وی به دست شهروراز را بیست و هفتم آوریل سال ۶۳۰ میلادی می‌داند (کولسنیکوف، ۱۳۸۹: ۱۶۴)، تورج دریایی نیز سال ۶۳۰ میلادی را به عنوان آغاز حکومت اردشیر سوم بیان کرده است (دریایی، ۲۰۰۹: ۳۵). از میان مورخان دوره اسلامی، طبری تاریخ مرگ اردشیر را در «شب آبان روز از ماه بهمن» ذکر کرده (طبری، ۱۳۶۲: ۷۸۱) که طبق نظر نولدکه این تاریخ برابر با ۲۷ آوریل ۶۳۰ میلادی است (نولدکه، ۱۳۸۸: ۴۰۶) و به نظر می‌رسد که این تاریخ قابل‌پذیرش باشد.

در مورد سن اردشیر در هنگام به تخت‌نشستن به نظر می‌رسد او حدود هفت‌ساله بوده که به مقام شاهی رسیده است (پورشریعتی<sup>۲</sup>، ۱۷۸: ۲۰۰۸)، از مورخین اسلامی، طبری (طبری، ۱۳۶۲: ۷۸۰)، ابن اثیر (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۷۶)، مسعودی (مسعودی، ۱۳۸۷: ۲۷۴) به هفت‌سالگی و دینوری (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۴۱) به خردسال بودن اردشیر اشاره دارند، درست بودن این ادعاها را می‌توان از روی نگاره اردشیر بر سکه‌هایش که فاقد ریش و سبیل است تأیید نمود. در زمان اردشیر سوم و به علت خردسال بودن وی، «مه آذرگشنسپ» (که در اکثر متون اسلامی بانام «مهاذرجشنس» آمده) مقام خوان‌سالاری را بر عهده داشت و به عنوان نایب‌السلطنه وظیفه اداره

1. Frye

2. Pourshariati

کشور را به عهده گرفت (شاپور شهبازی، ۱۹۸۶: ۳۸۲-۳۸۱)، البته ثعالبی این شخص را «خسرو فیروز» نامیده و وی را در کشتن اردشیر نیز دخیل دانسته است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۶۵). از مهم‌ترین اتفاقاتی که در زمان اردشیر سوم می‌توان به آن اشاره نمود هجوم ترکان به سوی مرزهای قفقاز و به ویژه ارمنستان بود که در دومین سال حکومت وی اتفاق افتاد (رضا، ۱۳۸۴: ۱۸۱). سرانجام اردشیر و مه آذرگشنسپ به دست شهروراز که پایتخت را تصرف نموده بود کشته شدند و شهروراز به شاهی رسید (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۶۶۳). در مورد چگونه کشته شدن اردشیر به دست شهروراز، در میان مورخین دوره اسلامی، طبری و ابن اثیر به این نکته اشاره می‌کنند که شهروراز به کمک دو تن از بزرگان ساسانی که از حامیان اردشیر بودند این کار را انجام داد، طبری این دو شخص را «نیوخسرو» سالار نگهبانان اردشیر و «نامدار جشنس» پسر «آذر جشنس» اسپهبد نیمروز معرفی می‌کند (طبری، ۱۳۶۲: ۷۸۱) و ابن اثیر این دو نفر را بدون بردن نام تنها با عناوین نظامی آن‌ها یعنی «اسپهبد نیمروز» و «فرمانده پاسداران شهر» بیان می‌نماید (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۵۷۷). در میان ایران‌شناسان، کریستن‌سن با معرفی «نامدارگشنسپ» به عنوان سپاهبد نیمروز و «نیوخسرو» به عنوان رئیس نگهبانان سلطنتی، توافق آنان با شهروراز را شرح می‌دهد (کریستن‌سن، ۱۹۴۴: ۴۹۸)، رجبی نیز با پیروی از کریستن‌سن این موضوع را تأیید می‌نماید (رجبی، ۱۳۸۳: ۳۹۴)، و در نهایت شاپور شهبازی ضمن تأیید گفته‌های طبری با استناد به «تاریخ سبئوس» وجود نامدارگشنسپ و آشنایی او با شهروراز را اثبات می‌کند، همچنین وی آذرگشنسپ را نیز به عنوان جانشین «مردانشاه» پادگوسبان نیمروز که در سال‌های آخر حکومت خسرو دوم اعدام شده بود معرفی کرده و حتی مدعی می‌شود مهرواره کتیبه داری که توسط ژینیو تحت عنوان اسپهبد نیمروز منتشر گردیده (ژینیو<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸) متعلق به آذرگشنسپ است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۶۶۷).

#### ۴. ضرابخانه‌های اردشیر سوم در شرق ایران

بدون در نظر گرفتن ضرابخانه سکستان تاکنون از اردشیر سوم در سال‌های اول و دوم سکه‌هایی به‌دست‌آمده که در ۳۲ ضرابخانه ضرب شده است (پاروک<sup>۱</sup>، ۲۵۶:۱۹۲۴؛ ملک<sup>۲</sup>، ۲۳۸:۱۹۹۳a)، که در وجود این تعداد ضرابخانه نیز تردید وجود دارد. بیشتر ضرابخانه‌های متعلق به اردشیر مربوط به نواحی عراق و جنوب غربی ایران امروزی است. از ضرابخانه‌هایی که امروزه به عنوان ضرابخانه‌های قطعی اردشیر سوم در نواحی شرقی امپراتوری ساسانی شناسایی شده‌اند می‌توان به ضرابخانه‌های ابرشهر «APR» (مشیری، ۱۹۷۷:۶۶)، گرگان «GW» (ملک، ۱۹۹۳:۸۸)، مرو «ML» (پاروک، ۱۹۴۴:۱۱۲)، نرماشیر «NAL» (گوبل، ۱۳۸۲: جدول ۱۱)، گواشیر «BN» (پاروک، ۲۵۶:۱۹۲۴)، کرمان «KL» (امینی، ۱۳۸۷:۱۳۰) و هرات «HL» (همان: ۱۳۳) اشاره نمود.

از میان ضرابخانه‌های یادشده، ضرابخانه‌های ابرشهر (گوبل، ۱۳۸۲: جدول ۱۱؛ پاروک، ۱۹۲۴: ۲۵۶-۲۵۷) و مرو (امینی، ۱۳۸۷: ۱۲۹؛ پاروک، ۱۹۴۴: ۱۱۲) در هر دو سال شاهنشاهی، ضرابخانه کرمان تنها در سال نخست (امینی، ۱۳۸۷: ۱۱۸)، و ضرابخانه‌های گرگان (گوبل، ۱۳۸۲: جدول ۱۱؛ مشیری، ۱۹۷۷: ۳۸۹؛ پاروک، ۱۹۲۴: ۲۵۷)، نرماشیر (گوبل، ۱۳۸۲: جدول ۱۱؛ پاروک، ۱۹۲۴: ۲۵۷)، گواشیر (گوبل، ۱۳۸۲: جدول ۱۱؛ پاروک، ۱۹۲۴: ۲۵۷) و هرات (امینی، ۱۳۸۷: ۱۱۸) تنها در سال دوم شاهنشاهی اردشیر سوم اقدام به ضرب سکه نموده‌اند (جدول ۱). در بین ضرابخانه‌هایی که در سال دوم شاهنشاهی اردشیر سوم فعال بوده‌اند، ضرابخانه مرو تنها تیپ A سکه‌های اردشیر (امینی، ۱۳۸۷: ۱۶۴)، ضرابخانه‌های ابرشهر، گرگان و هرات تنها تیپ B سکه‌های اردشیر (گوبل، ۱۳۸۲: جدول ۱۱؛ امینی، ۱۳۸۷: ۱۳۳؛ پاروک ۱۹۲۴: ۲۵۷) و ضرابخانه‌های گواشیر و نرماشیر هر دو تیپ سکه‌های اردشیر را ضرب نموده‌اند (همان).

---

1. Paruck

2. Malek

جدول ۱. ضراب‌خانه‌های شرقی اردشیر سوم

| سال دوم (تیپ B) | سال دوم (تیپ A) | سال یکم (تیپ A) |               |
|-----------------|-----------------|-----------------|---------------|
| ✓               |                 | ✓               | اُپرشهر (APR) |
| ✓               |                 |                 | سکستان (SK)   |
|                 |                 | ✓               | کرمان (KL)    |
| ✓               |                 |                 | گرگان (GW)    |
| ✓               | ✓               |                 | گواشیر (BN)   |
|                 | ✓               | ✓               | مرو (ML)      |
| ✓               | ✓               |                 | نرماشیر (NAL) |
| ✓               |                 |                 | هرات (HL)     |

## ۵. پیشینه سکستان در دوره ساسانی

در دوران اشکانی و در زمان اردوان دوم بخشی از اقوام سکایی که در شمال شرق پارت زندگی می‌کردند، مرزهای اشکانی را درنوردیده، در جنوب شرقی قلمرو آنان مستقر شده و پادشاهی سکستان را تشکیل دادند، در دوران مهرداد دوم اشکانی، پادشاهی سکستان به طور کامل دست‌نشانده و فرودست امپراتوری پارتیان گشت (کالج، ۱۳۸۰: ۲۷). از اواسط دوران اشکانی نیز دودمان سورن که امتیاز اهدای تاج به شاهان اشکانی را داشتند، در این منطقه حکمرانی می‌کرده‌اند (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۲۵۰؛ کریستین‌سن، ۱۹۴۴: ۱۸). سکستان در افسانه‌های ایرانی اهمیت بسیاری داشته و احتمالاً یکی از مراکز دین زرتشت بوده (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۸۵۶)، همچنین طبق منابع زرتشتی مهم‌ترین وقایع تاریخی نظیر نگهداری نطفه سوشیانت، داستان فریدون، جنگ میان فرزندان او و قبول و رواج دین زرتشت توسط ویشناسب در سیستان به وقوع پیوسته است (دریایی، ۱۳۷۵: ۵۳۴). استان سکستان ساسانی شامل درانگیا و آراخوسیای هخامنشی می‌شده است (برونر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳: ۷۷۴) که طبق مرزهای سیاسی امروزی علاوه‌بر سیستان ایران، راجستان کنونی، گجرات، مناطق مرکزی پنجاب، استان‌های شمال غربی هند و هاریانای کنونی را نیز دربرمی‌گرفته (خادمی ندوشن و ناهیدی آذر، ۱۳۸۳: ۲۳) (شکل ۳)، در برخی از متون تاریخی

1. Brunner

بازسازی تاریخ سیاسی سکستان در اواخر شاهنشاهی... \_\_\_\_\_ محمد مرتضایی و همکار

این منطقه به علت قرارگیری در جنوب خراسان، نیمروز خوانده شده و بارها این نام در شاهنامه نیز آمده است (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۸۵۴).



شکل ۳. حدود نواحی تحت فرمانروایی سکانشاه براساس نقشه ارائه شده توسط بروئر (بروئر، ۱۹۸۳: ۷۴۹-)

(۷۴۸)

نخستین اشاره به سکستان در دوره ساسانی به کتیبه کعبه زرتشت شاپور بزرگ مربوط می‌گردد که شاپور در هنگام معرفی قلمرو خویش از «سکستان» نام می‌برد (اسپرنگلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۵۳: ۱۴)، همچنین در این سنگ‌نبشته از نرسه به عنوان «شاه هند و سکستان و ترکستان تا ساحل دریا» یاد شده است (همان: ۱۷). در دوران بهرام دوم در این بخش از کشور، شاهزاده‌ای ساسانی بانام «هرمز» سر به شورش برمی‌دارد که در نهایت سرکوب شده و بهرام سوم جانشین وی در این نواحی می‌شود (موسوی حاجی، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۰۱؛ فرای، ۱۹۸۳: ۱۲۸). براساس شواهد تاریخی به نظر می‌رسد که در دوران ابتدایی شاهنشاهی ساسانی، شاهزاده‌ای که عنوان

1. Sprengling

سکانشاه و یا به صورت کامل‌تر عنوان «شاه سکستان، تورستان و هند تا کرانه دریا» را در اختیار داشته، از امتیاز ویژه‌ای برای جانشینی شاهنشاه ساسانی برخوردار بوده است. در کتیبه «شاپور سکانشاه» نیز که در سال‌های نخستین شاهنشاهی شاپور دوم در تخت جمشید ایجاد شده، شاپور سکانشاه منطقه تحت کنترل خود را «سند، سیستان و توران تا کناره دریا» معرفی می‌نماید (دریایی، ۱۳۸۰: ۱۱۰). آخرین باری که عنوان سکانشاه در کتیبه‌های ساسانی به چشم می‌خورد، مربوط به «کتیبه سلوک داور» بر دیوار کاخ داریوش در تخت جمشید بوده که در آن به کتیبه شاپور سکانشاه در همان محل اشاره شده است. این کتیبه که طبق نظر لوکونین به حدود سال‌های ۳۲۶-۳۲۷ میلادی بازمی‌گردد (لوکونین، ۱۳۵۰: ۲۰۹)، در نخستین سال‌های شاهنشاهی شاپور دوم و پیش از کشورگشایی‌های گسترده وی ایجاد گردیده است.

با فتوحات شاپور دوم و فتح کامل قلمرو کوشانیان، عنوان سکانشاه به حاشیه رفته و لقب کوشانشاه به مهم‌ترین عنوان در نواحی شرقی ایران تبدیل گشت. پس از کشته شدن پیروز در سال ۴۸۴ میلادی بخش اعظم سرزمین سکستان به تصرف هپتالیان درآمد و در زمان قباد تنها بخش‌هایی از سکستان توسط ساسانیان اداره می‌شد، اما در نتیجه لشکرکشی موفقیت‌آمیز خسرو اول این منطقه مجدداً زیر فرمان ساسانیان بازگشت (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۹۲). پس از اصلاحات نظامی انوشیروان و تقسیم ایران به چهار کوست یا ناحیه، سکستان که در جنوب شرقی ایران شهر قرار داشت، طبق برخی منابع مانند شهرستان‌های ایران شهر در کوست نیمروز (دریایی، ۱۳۸۸: ۴۰) و طبق برخی منابع دیگر مانند گزارش‌های ثعالبی در کوست خراسان قرار گرفته است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۳). در دوران پایانی ساسانی بار دیگر سکستان نقشی اساسی را در این دوره ایفا می‌کند، پس از مرگ خسرو دوم و در دوران بحران شاهنشاهی ساسانی، سکستان همواره با وجود شورش‌های کوچک و پراکنده بخشی جدایی‌ناپذیر از ایران شهر بوده و حتی در بین سال‌های ۶۵۸-۶۶۳ میلادی و در عهد پیروز فرزند یزدگرد سوم، به عنوان «ناحیه فرماندهی ایران» در مقابل اعراب یکی از آخرین پایگاه‌های شاهنشاهی ساسانی را تشکیل می‌دهد (دریایی، ۲۰۰۹: ۳۷).

## ۶. سکه‌های ضرب سکستان در اواخر دوره ساسانی

ضراب‌خانه سکستان با حروف اختصاری «SK» و علامت «𐭎» در سکه‌های دوره ساسانی معرفی شده است (گوبل، ۱۹۷۳: ۲۵۹؛ میتچینر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸: ۵۲۵؛ ملک، ۱۹۹۳: ۸۹). نخستین بار نام سکستان روی سکه‌های بهرام یکم و شاپور دوم دیده می‌شود که به صورت کامل یعنی «SKSTN» و با صورت پهلوی «𐭎𐭎𐭎𐭎» روی سکه حک گشته است (مشیری، ۱۹۷۷: شکل ۳۳۷؛ انوالا<sup>۲</sup>، ۱۹۵۷: شکل‌های ۱-۳)، اما با توجه به شواهد ارائه‌شده توسط آلرام<sup>۳</sup> در مورد ضرب سکه‌های معروف به ولیعهد در زمان اردشیر پاپکان (آلرام، ۲۰۰۷: ۲۳۱) (شکل ۴)، می‌توان آغاز فعالیت ضراب‌خانه سکستان را از ابتدای شاهنشاهی اردشیر یکم محتمل دانست.



شکل ۴. سکه‌های معروف به ولیعهد، ضرب شده در سکستان

([http://www.grifterrec.com/coins/sasania/sas\\_ardI\\_2.html](http://www.grifterrec.com/coins/sasania/sas_ardI_2.html))

- 
1. Mitchiner
  2. Unvala
  3. Alram

سکه‌های ضرب سکستان با علامت «SK» از زمان خسرو یکم آغاز گشت (مالک، ۱۹۹۳: ۸۹)، اما نکته قابل توجه این است که این سکه‌ها از سال بیست و هفتم شاهنشاهی خسرو اول نمایان می‌شود (مشیری، ۱۳۸۹: ۱۸۰). مشیری با بیان این نکته که محل ضرب سکه‌های سکستان را می‌توان چند شهر و احتمالاً بزرگ‌ترین شهر ایالت تعیین نمود این نظریه را ارائه می‌کند که ضمن یکی بودن محل ضرب سکه‌های سکستان و زرنگ (ZR, ZRN, ZRNG)، فاصله بین سکه‌های ضرب سکستان شاپور دوم تا خسرو اول را سکه‌هایی که در زرنگ ضرب شده‌اند پرکرده و با دلایل قابل قبولی این نکته را اثبات می‌نماید که سکه‌هایی با علامت «SK» تنها در مدتی ضرب شده که ایالت سکستان به طور کامل در اختیار ساسانیان بوده و در فاصله پس از شکست پیروز تا پیروزی خسرو اول بر هپتالیان که شاهنشاهان ساسانی تنها بر زرنگ تسلط داشتند، سکه‌های آنان نیز از همین رو با علامت ضراب‌خانه زرنگ ضرب می‌شده است (همان: ۱۸۱-۱۸۰). سکه‌هایی از سال بیست و هفتم تا چهل و ششم شاهنشاهی خسرو یکم (مشیری، ۱۹۷۷: ۳۵۹-۳۵۲) و همچنین از سال دوم تا دوازدهم شاهنشاهی هرمز چهارم (همان: ۳۵۹-۳۵۲) با علامت «SK» موجود است که نشان از فعالیت مستمر این ضراب‌خانه دارد. ضراب‌خانه سکستان در زمان خسرو دوم نیز بسیار فعال بوده و نمونه‌های بسیاری را می‌توان از این ضراب‌خانه در آن دوره مشاهده نمود (گوبه<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳: ۱۰۳)، مشیری نیز فهرستی از سکه‌های سال دوم تا سی و هفتم سلطنت خسرو دوم ارائه داده (مشیری، ۱۹۷۷: شکل‌های ۳۶۰-۳۸۴) که گویای پیوستگی در فعالیت این محل است. در دوره چندماهه حکومت قباد دوم و با این‌که در بیشتر ضراب‌خانه‌های فعال دوران خسرو دوم اقدام به ضرب سکه شده بود، اما تاکنون هیچ سکه‌ای با علامت سکستان در بین سکه‌های او به دست نیامده است (ملک، ۱۹۹۵: ۱۱۹-۱۲۹؛ ملک و کورتیس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۱۲۱) و می‌توان این نکته را با توجه به نوشته‌های برخی از مورخین دوره اسلامی مانند ثعالبی که گزارش می‌دهند شاهنشاهی قباد دوم توسط همه حاکمان ایالات ایران پذیرفته نشده بود (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۶۳) توجیه نمود.

---

1. Mochiri  
2. Gaube  
3. Curtis

پس از مرگ خسرو دوم تاکنون تنها از بوران و یزدگرد سوم سکه‌های با علامت «SK» معرفی شده است (مالک و کرتیس، ۱۹۹۸: ۱۲۱). سکه‌های ضرب سکستان بوران چند ویژگی خاص را داراست که موجب تفاوت این سکه‌ها با دیگر سکه‌های بوران می‌گردد. نخست این‌که در بین سکه‌های بوران تنها سکه‌هایی که از سال سوم سلطنت وی شناخته شده مربوط به سکستان بوده (همان)، دومین ویژگی این سکه‌ها که به سکه‌های تیپ شرقی معروف‌اند این است که از لحاظ فن ساخت در سطح پایین‌تری نسبت به سکه‌های دیگر ضرب‌خانه‌های ملکه بوران قرار دارند (همان: ۱۱۷). با توجه به این‌که بوران در سال نخست حکومت خویش یازده ضرب‌خانه و در سال دوم تنها شش ضرب‌خانه را در اختیار داشته (دریایی، ۱۹۹۹: ۷۷)، به نظر می‌رسد سکستان از معدود ایالاتی بوده که به وی وفادار مانده است. بوران تنها یک سال و چهار ماه حکمرانی کرد (کریستین‌سن، ۱۹۴۴: ۴۹۸)، در منابع معتبر اسلامی نیز عمر سلطنت وی را بین شش ماه تا یک سال و نیم بیان کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۳: ۳۹۵)، همچنین رجبی با استناد به نوشته‌های «اشپیگل» نقل می‌کند که نویسنده‌ای ارمنی مدت حکومت بوران را دو سال دانسته است، اما نام این نویسنده را بیان نمی‌کند (همان: ۳۹۶).

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان این نکته را متصور شد در سال سوم که سکه‌های سکستان بوران ضرب می‌گشته احتمالاً وی یا در آخرین روزهای سلطنت خویش به سر می‌برده و یا این‌که در قید حیات نبوده است. آخرین شاهنشاه ساسانی که در سکستان اقدام به ضرب سکه نموده یزدگرد سوم است. سکه‌هایی از سال یکم و سوم تا بیستم شاهنشاهی یزدگرد با علامت ضرب‌خانه سکستان معرفی شده است (امینی، ۱۳۸۷: ۳۴۸؛ مشیری، ۱۹۷۷: شکل‌های ۳۸۹-۳۹۷). البته برخی از دلایل وجود دارد که ثابت می‌کند که در سال‌های آخر و به ویژه سال بیستم حکومت یزدگرد، این سکه‌ها توسط فرزندان او یعنی پیروز و بهرام ضرب گشته و در این دوره یزدگرد کشته شده بود (دریایی، ۷-۲۰۰۶: ۲۱-۲۹). پس از فتح سکستان توسط اعراب نیز ضرب‌خانه این ایالت فعال بود و حتی در زمان عباسیان سکه‌هایی با نام ضرب‌خانه‌های «مدینه زرنج» و «سجستان» تاکنون معرفی گشته است (مشیری، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

## ۷. ضرب سکه طلا در دوران ساسانی

پس از شاهان اشکانی که تمایلی به ضرب سکه‌های طلا از خود نشان نمی‌دادند، در زمان اردشیر یکم نخستین سکه‌های طلای ساسانی ضرب گشت. اردشیر با ضرب سکه‌های طلا دو هدف را دنبال می‌نمود، هدف نخست وی برابری با امپراتوری روم و هدف دیگر آن زنده کردن سنت دوران هخامنشی بود (گوبل، ۱۹۸۳: ۳۲۹). تا پیش از این از تمام شاهنشاهان ساسانی به جز جاماسپ، هرمز چهارم و جانشینان خسرو دوم به استثنای بوران دخت سکه طلا به دست آمده (شیندل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۸۲۶)، تاکنون در مورد علت ضرب سکه طلا و چگونگی معیار آن نظرات مختلفی بیان شده است، به طور مثال گوبل علت ضرب سکه‌های طلا را به علت تأمین مخارج لشکرکشی در مرزهای شرقی می‌داند (گوبل، ۱۳۸۲: ۱۰۹)، اما این نظر نمی‌تواند در مورد تمام دوران ساسانی صادق باشد و تنها می‌شود آن را به دوران میانی مربوط دانست، به‌طورکلی می‌توان این‌گونه بیان نمود که مسکوکات طلای ضرب شده در دوران ساسانی بیشتر جنبه حیثیتی داشته و اهمیت اقتصادی آن کمتر موردنظر بوده است (آلرام، ۲۰۰۸: ۲۲).

نخستین سکه‌های اردشیر در حدود ۸/۴۷ گرم وزن داشته که در دوران بعدی به وزن ۷/۲ گرم رسیده‌اند (آلرام و گیزلن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۶۴-۱۶۷)، سپس از دوران شاپور دوم سکه‌های دینار دچار کاهش وزن قابل‌توجهی شده و به حدود ۴/۲۵ گرم رسیده است (شیندل، ۲۰۰۴: ۱۵۴)، در زمان یزدگرد اول سکه‌های طلا دارای وزن تقریبی ۴/۲ گرم، در زمان پیروز وزنی بین ۳/۵ تا ۴/۵ گرم و پس از پیروز در وزن دینار در حدود ۴/۲ گرم ثابت مانده است. در اواخر دوران ساسانی اوزان جدید دیگری نیز به وزن‌های قبلی اضافه شده‌اند، نمونه‌ای سکه از بهرام ششم وجود دارد که وزنی در حدود ۷/۵ گرم و احتمالاً ارزشی بیشتر از یک دینار داشته (گوبل، ۱۳۸۲: ۱۱۳)، همچنین در دوران خسرو دوم سکه‌هایی با وزن تقریبی ۶/۵ گرم ضرب شده که ارزش آن‌ها یک و نیم دینار برآورد می‌شده است (همان، ۲۰۱۳: ۸۲۷).

در دوران شاپور دوم بیشتر سکه‌های طلا در ضراب‌خانه‌های شرقی و احتمالاً در مرو ضرب می‌شده است (همان، ۲۰۰۴: ۳۴۰)، اما در دوران بعد و به ویژه از دوران پیروز بیشتر سکه‌ها در ضراب‌خانه‌های غربی ضرب گردیده است (همان، ۲۰۱۳: ۸۲۶) و در اواخر دوره ساسانی بیشترین

---

1. Schindel

2. Gyselen

بازسازی تاریخ سیاسی سکستان در اواخر شاهنشاهی... \_\_\_\_\_ محمد مرتضایی و همکار

تعداد دینار در ضرب‌خانه «AIRAN» ضرب شده که تعدادی سکه طلا متعلق به اولین سال حکومت بهرام ششم از این ضرب‌خانه به دست آمده است (مشیری، ۱۹۷۷: ۲۸۳). وستهم در دورانی که به شرق گریخته بود دینارهایی در سال پنجم حکومت خود در ضرب‌خانه ابرشهر «APR» ضرب کرده بود (همان، شکل‌های ۲۱، ۶۷)، سکه‌ای نیز که در نوع خود بی‌نظیر و متعلق به سال سی‌ام شاهنشاهی خسرو دوم با علامت ضرب‌خانه آتورپاتکان «AT» است، توسط ملک ایرج مشیری از مجموعه فروغی معرفی شده که شمایل آن مانند درهم‌های خسرو است (همان، شکل ۱۳۴۷). از سال سی و چهارم شاهنشاهی خسرو دوم تا آخرین سال شاهنشاهی یزدگرد سوم تا به امروز تنها سکه طلای متعلق به بوران (ملک و کورتیس، ۱۹۹۸: ۱۱۶) معرفی شده، این سکه که مربوط به سال دوم سلطنت ملکه بوران است، نخستین بار توسط کونتز و واردن معرفی شده (دریایی، ۱۹۹۹: ۷۸) و وزن آن در حدود ۴/۱۵ تا ۴/۲۰ گرم است (ملک و کورتیس، ۱۹۹۸: ۱۱۶) (شکل ۵).



شکل ۵. سکه طلا متعلق به بوران

(<http://www.sasanika.org/wp-content/uploads/BoranGoldCoinI-sm.jpg>)

## ۸. برآیند

شیندل معتقد است که در اواخر دوره ساسانی نقوش روی دینارها با درهم‌های هم‌دوره متفاوت بوده و دارای ویژگی‌های خاص تصویری هستند و سایر دینارهای دارای نقوش مشابه با درهم‌ها تقلبی است (شیندل، ۲۰۱۳: ۸۲۷). به‌منظور بررسی صحت سکه مورد معرفی قرارگرفته می‌توان به چند نکته پرداخت؛ نخست آن‌که سکه مورد مطالعه وزنی در حدود ۶/۳۸ گرم و نزدیک به سکه‌های یک و نیم دیناری عهد خسرو دوم دارد، مورد دوم این است که تاکنون از اردشیر سوم سکه‌ای با علامت ضراب‌خانه سکستان یافت نشده و این موضوع می‌تواند اثبات نماید که این سکه از روی درهمی ضرب نشده و برای ضرب آن الگویی وجود نداشته است، همچنین تفاوت‌های بنیادی نقوش پشت سکه‌های شاهان پیشین و بوران و یزدگرد سوم که پس از اردشیر در سکستان سکه ضرب نموده‌اند با سکه اردشیر سوم وجود هرگونه احتمال مشترک بودن سرسکه پشت سکه اردشیر با هر یک از آن‌ها را رد کرده است (شکل ۶) و احتمال کپی‌برداری به این شکل را غیرمحتمل نشان می‌دهد و این نکته را روشن می‌سازد که سرسکه‌ای که علامت سکستان را دارا بوده به صورت اختصاصی متعلق به خود اردشیر است، مورد دیگری که باید به آن پرداخت وضعیت ضراب‌خانه‌های شرقی اردشیر است، ضراب‌خانه‌های شرقی ایران که در دوران اردشیر سوم اقدام به ضرب سکه کرده‌اند این مسئله را برای ما روشن می‌سازد که باوجود ثبات ضرب سکه در بخش شمال شرقی ایران در دوره اردشیر و وجود سکه‌هایی از هر دو سال شاهنشاهی وی در ضراب‌خانه‌هایی چون مرو و اپر شهر، بخش جنوب شرقی در این دوره از ثبات خاصی برخوردار نبوده، به طوری که در سال نخست در جنوب شرقی ایران تنها ضراب‌خانه کرمان فعال بوده است، اما در سال دوم هیچ‌گونه فعالیتی نداشته و ضراب‌خانه‌های نرماشیر و گواشیر جایگزین آن شده‌اند. با توجه به همین مسئله می‌توان مدعی شد که هنگامی که دو ضراب‌خانه جدید در یک محدوده یک باره فعال می‌شوند می‌توان احتمال داد که ضراب‌خانه سومی نیز با توجه به عللی که موجب آغاز فعالیت دو ضراب‌خانه قبلی شده فعال شود و در نهایت آخرین نکته قابل توجه درباره این سکه کیفیت و فن پایین ضرب آن بوده که از این نظر با سکه‌های ضرب سکستان بوران که از نظر زمانی نزدیک‌ترین سکه‌های ضرب شده در سکستان است مشابهت دارد.



شکل ۶. سکه‌های خسرو یکم، هرمز چهارم، خسرو دوم، بوران و یزدگرد سوم با علامت «SK»

(<http://www.zeno.ru/showgallery.php?cat=611>)

در توجیه علت ضرب این سکه می‌توان این‌گونه بیان کرد که در پی خلع خسرو دوم از قدرت، برخی از مناطق به علت نامشروع دانستن حکومت قباد دوم از قبول حکومت او سر باز زده‌اند. در دوران حکومت اردشیر سوم و بر طبق تغییرات سکه‌های او می‌توان این‌گونه پنداشت که در سال دوم سلطنت وی مجدداً ایدئولوژی سیاسی شاه خردسال به سمت خسرو دوم گرایش پیدا کرده که نشانه‌های آن در شباهت تاج اردشیر سوم به خسرو دوم بر سکه‌ها قابل مشاهده است. اگر علت قطع فعالیت ضرب‌خانه سکستان در عهد قباد دوم را به مسائل سیاسی و عدم فرمان‌برداری این منطقه محدود نماییم، در این صورت می‌توان ضرب این سکه یادمانی را در جهت حمایت نواحی جنوب شرقی ایران که تحت فرمان پادگوسبان نیمروز قرار داشته از اردشیر سوم قلمداد کرد. سکستان در تمام دوره‌ی ساسانی از اهمیت برخوردار بوده و براساس شواهد سکه‌شناسی پس از بازپس‌گیری آن در عهد خسرو یکم، تا انقراض ساسانیان تحت فرمانروایی

شاهنشاهان این دوره قرار داشته است. با مرور سکه‌های ضرب شده در سکستان می‌توان به این نتیجه رسید که در عهد خسرو دوم این منطقه از ثبات برخوردار بوده است، اما در دوران پس از وی با فراز و نشیب سیاسی همراه شده به‌طوری‌که در میان افراد پس از او، با احتساب سکه معرفی شده، تنها از اردشیر سوم، بوران و یزدگرد سوم سکه‌هایی با علامت ضراب‌خانه سکستان قابل مشاهده است. شاید بتوان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که این ناحیه که در اواخر دوران ساسانی وفادار با خسرو پرویز بوده، پس از مرگ وی از شاخه‌ای حمایت می‌کرده که از شاخه مستقیم شاهی و به ایدئولوژی سیاسی خسرو دوم وفادار بوده‌اند و به همین علت نیز در آخرین روزهای مقاومت ساسانیان در برابر اعراب به مرکز قدرت آنان تبدیل گشته است.

## ۹. منابع

- ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۲)، تاریخ کامل، ترجمه سید حسین روحانی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- امینی، امین، (۱۳۸۷). تاریخ و سکه در پایان امپراتوری ساسانی، چاپ اول، تهران، انتشارات امینی.
- گوبل، روبرت، (۱۳۸۲). سکه‌های ساسانی، در تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، به کوشش آلتهایم، فرانتس، استیل، روت ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوریا، (۱۳۸۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۳۶۸). غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، ترجمه محمد فضائلی، پاره نخست، چاپ اول، تهران، نشر نقره.
- خادمی ندوشن، فرهنگ، ناهیدی آذر، فریدون، (۱۳۸۳). تحولات تاریخی شرق ایران در دوره ساسانی، مجله پیام باستان‌شناس، ش ۲، صص ۱۹-۲۸.
- دریایی، تورج، (۱۳۷۵). شگفتی و برجستگی سیستم متنی به زبان پهلوی، مجله ایران شناسی، سال هشتم ش ۳، صص ۵۳۴-۵۴۲.

بازسازی تاریخ سیاسی سکستان در اواخر شاهنشاهی... \_\_\_\_\_ محمد مرتضایی و همکار

- دریایی، تورج، (۱۳۸۰). کتیبه شاهپور سکانشاه در تخت جمشید، مجله فرهنگ، ش ۳۷ و ۳۸، صص ۱۰۷-۱۱۴.
- دریایی، تورج، (۱۳۸۳). سقوط ساسانیان، ترجمه منصوره اتحادیه، چاپ دوم، تهران، انتشارات تاریخ ایران.
- دریایی، تورج، (۱۳۸۸). شهرستان‌های ایران‌شهر، ترجمه شهرام جلیلیان، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- دزفولیان، کاظم، (۱۳۸۷). اعلام جغرافیایی در متون ادب فارسی تا پایان قرن هشتم، چاپ اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، (۱۳۷۱). اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- رجبی، پرویز، (۱۳۸۳). هزاره‌های گمشده، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.
- رضا، عنایت‌الله، (۱۳۸۴). ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرینکوب، عبدالحسین، (۱۳۸۶). تاریخ مردم ایران، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- زرینکوب، عبدالحسین، زرینکوب، روزبه، (۱۳۸۷). تاریخ ایران باستان، جلد چهارم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- شاپور شهبازی، علیرضا، (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاهی.
- شپیمان، کلاوس، (۱۳۸۶). مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران، نشر فرزاد روز.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۲). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- کالج، مالکوم، (۱۳۸۰). اشکانیان، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند.
- کولسنیکف، آ.آی، (۱۳۸۹). ایران در آستانه سقوط ساسانیان، ترجمه محمد رفیق یحیایی، چاپ اول، تهران، انتشارات کندوکاو.

- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، (۱۳۵۰). *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت الله رضا، چاپ اول، تهران، بنگاه نشر و ترجمه.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۷). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۸۸). *تاریخ سیاسی ساسانیان*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- مشیری، ملک ایرج، (۱۳۸۹). *عرب ساسانی سکه‌های دوره جنگ داخلی*، ترجمه مهدیه دستمالچی، چاپ اول، تهران، انتشارات پازینه.
- موسوی حاجی، سید رسول، (۱۳۸۹). *پیروزی بهرام دوم بر شاه سکستان هند تا کرانه‌های دریا با استناد به یک نقش برجسته ساسانی*، *مجله مطالعات شبه‌قاره*، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹). *تاریخ سیستان*، تصحیح محمد تقی بهار، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
- نولدکه، تئودور، (۱۳۸۸). *ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب خونی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- Alam, M. & Gyselen, R. (2003). *Sylloge Nummorum Sasanidarum: Inhaltsverzeichnis*, Wien: Austrian Academy of Sciences Press.
- Alam, M. (2008). "Early Sasanian Coinage", *The Age of the Sasanians*, pp. 17-30.
- Alam, M. (2007). "Ardashir's Eastern Campaign and the Numismatic Evidence", in *Proceedings-British Academy*, Oxford University Press, pp. 227-242.
- Brunner, C. (1983). "Geographical and administrative divisions: settlements and economy", *The Cambridge History of Iran*, Vol. 3, Part 2, pp. 747-777.
- Christensen, A. (1944). *L'Iran sous les Sassanides*, Copenhagen et Paris, Otto Zeller.

- Daryaee, T. (1999). "The Coinage of Queen Boran and Its Significance for Late Sasanian Imperial Ideology", *Bulletin of the Asia Institute*, Vol. 13, pp. 77-82.
- Daryaee, T. (2006-7). "Yazdgerd III's Last Year: Coinage and History of Sistan at the End of Late Antiquity", *Iranistik*, Vol 9 & 10, pp. 21-29.
- Daryaee, T. (2009). *Sasanian Persia*, New York, I.B.Tauris & Co Ltd.
- Frye, R. N. (1983). "The political history of Iran under the Sasanians", *The Cambridge History of Iran*, Vol. 3, No. 1, pp. 116-180.
- Gaube, H. (1973). *Arabosasanidische Numismatik*, Braunschweig.
- Gignoux, P. (1978). *Catalogue des Sceaux Camees et Bulles Sasanides de la Bibliotheque Nationale et du Musee du Louvre*, Vol II, Paris: Les Sceaux et bulles inscrites.
- Gobl, R. (1971). "Sasanian Numismatics", *Klinkhardt and Biermann*, Braunschweig.
- Gobl, R. (1973). "Der Sasanidische Munzfund von Seleukia", *Mesopotamia*, Vol. VIII-IX, 1973-4, pp. 229-60.
- Gobl, R. (1983). "Sasanian Coins", *The Cambridge History of Iran*, Vol. 3, No. 1, pp. 322-339.
- Gyselen, R. (2001). *The Four Generals of Sasanian Empire: Some Sigillographic Evidence*, Roma: Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente.
- Gyselen, R. (2004). "New Evidence for Sasanian Numismatics: The Collection of Ahmad Saeedi", in *Contributions à l'histoire et la géographie historique de l'empire sassanide*, *Res Orientales*, Vol. XVI, pp. 49-140.
- Kuntz, R. & Warden, W. B. (1983). "A Gold Dinar of the Sasanian Queen Buran", *ANS Museum Notes No. 28*, American Numismatic Society, pp.133-135.
- Malek, H. M. (1993). *A Seventh Century Hoard of Sasanian Drachms*, *Iran*, Vol. 31, British Institute of Persian Studies, pp. 77-93.
- Malek, H. M. (1993a). "A survey of research on Sasanian numismatics", *The Numismatic Chronicle 1966-*, pp. 227-269.

- Malek, H. M. (1995). “The Coinage of the Sasanian King Kavād II (AD 628)”, *Numismatic Circular*, Vol. 155, pp. 119-129.
- Malek, H. M. & Curtis, V. (1998). “The Coinage of the Sasanian Queen Boran (AD 629-631)”, *The Numismatic Chronicle*, No. 158, Royal Numismatic Society, pp. 113-129.
- Mitchiner, M. (1978). “Mint Organization in the Sassanian Empire”, *Numismatic Circular*, Vol. 86, pp. 524-526.
- Mochiri, M. I. (1977). “Etudes de numismatique iranienne sous les Sassanides et Arabe-Sassanides”, Tomb II, Paris, Imprimerie Orientaliste.
- Paruck, F. D. J. (1924). *Sasanian Coins*, Bombay.
- Paruck, F. D. J. (1944). “Mint-marks on Sasanian and Arab-Sasanian Coins”, *JNSI*, Vol. 6, pp. 79-151.
- Pourshariati, P. (2008). *Decline and Fall of the Sasanian Empire*, New York: I.B.Tauris & Co Ltd.
- Shahbazi, A. S. (1986). *Encyclopaedia Iranica*, Vol. II, Fasc. 4, pp. 381-382.
- Schindel, N. (2004). “Appendix IV: Die Regierungsdauer der sasanidanischen Könige von Shapur II”, *bis Kawad I./2. Regierung in den literarischen Quellen*, Wien: Austrian Academy of Sciences Press.
- Schindel, N. (2013). “Sasanian coinage”, *The Oxford handbook of ancient Iran*, Oxford University Press, pp. 814-839.
- Sprengling, M. (1953). *Third Century Iran: Sapor and Kartir*. Chicago: The Oriental Institute.
- Unvala, J. M. (1957), “Some Rare Sassanian and Arab-Sassanian Coins”, *Numismatic Circular*, Vol. 17, pp. 147-150.
- Walker, J. (1941). *A Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum*, London: British Museum.